

شرق روزنامه

هنر

جامعه به «قهرمان»نیاز دارد، گفت‌وگو با مسعود کیمیایی	صفحه ۸
تلاش برای دگر دیسی، نگاهی به هنر «لوکوربوزیه»	صفحه ۱۰
نگاتی در باره ساختمان جدید مجلس شورای اسلامی	صفحه ۱۰

صخره مارپیچ

نگاهی به هنر محیطی

وقتی هنر و طبیعت به هم گره می‌خورند

ارایه یک تعریف ثابت و مشخص برای فرم‌های هنری ویژه‌نیم‌قرن گذشته، کار آسانی نیست. چراکه اغلب این فرم‌ها در ذات خود از سیالیت ویزتای برخوردارند و با گذر زمان و تغییر جغرافیا و سلیقه هنرمند، تغییر و تحول می‌یابند. هنر محیطی نیز از دسته همین فرم‌هاست که در تعریف و توصیفش نظریه‌ها آنقدر متنوع، متفاوت و حتی متضادند که بسیاری آن را همچون فرمی مادر و به مثابه چتری بر سر فرم‌های متنوع محدودتر، به حساب می‌آورند. در میانه همین تعاریف متنوع اما یک شالوده تقریباً ثابت و مشخص را می‌توان یافت که شاید همین بنیان مشترک را بتوان به عنوان توصیف کلی این گونه هنری به کار برد. این شالوده ثابت، ارتباط مستقیم و ویژه این گونه هنری با محیط اطراف خود است. در حقیقت هنر محیطی، هنری است که برای یک فضای مشخص طراحی شده و متناسب با این فضای زمینه، تعریف و عرضه می‌شود. هنر محیطی یک هنر صرفاً ابزار نیست که در صورت تغییر مکان جغرافیایی، ثبات مفهومی خود را حفظ کند. بلکه هنری وابسته به مکان و فضااست که مخاطب را در کلیت فضای خود احاطه می‌کند. این فرم هنری در دهه ۶۰میلادی و با آغاز غلبه هنر مفهومی و اینستالیشن‌های معروف در مکان‌های عمومی و فضا‌های باز، مورد اقبال هنرمندان مدرن قرار گرفت و با ساخت مجسمه‌های ویژه متناسب با محیط‌های شهری در جهان، به اوج خود رسید و امروزه حاصل کار هنرمندانی که آثار خود را با حفظ خصلت کلی بالا عرضه می‌کنند، در ذیل این گونه هنری قرار می‌گیرند. با این حال تفکیک و دسته‌بندی حاصل کار این هنرمندان نیز کار آسانی نیست، چراکه بر فرض احتساب این فرم به مثابه فرم مادر و قراردادن سبک‌هایی چون هنر زمینی، هنر خاکی، اکوآرت و... در ذیل این فرم، باز هم تشخیص و تفکیک آنها، حداقل برای مخاطب عام از اینستالیشن‌های معمول و مجسمه‌ها و پرفرورمنس‌های شهری دشوار می‌نماید از این رو شاید لازم باشد تا بر وجه تمیز هنر محیطی با آثار مشابه که همان ارتباط ویژه با طبیعت پیرامونی است، متمرکزتر شویم. طبیعت و مکان پیرامونی در هنر محیطی یک عنصر منفعل و پس‌زمینه‌ای صرفاً نگهدارنده اثر نیست، بلکه عنصری فعال و جزو لاینفک اثر و شریک در شکل‌گیری معنای کلی آن است. هنر محیطی این توان بالقوه را داراست که نگاه مخاطب را به محیط اطرافش درگیر تحولی بس شگرف کند، اما در عین حال نیز می‌تواند تنها گزارشگر بی‌طرفی از وضع موجود باشد. می‌تواند آموزش دهد یا تهج و تحریک کند. شاید در نگاهی کلی‌تر بتوان آثار شکل گرفته در این فرم را از حیث همین محیط پیرامونی، به سه دسته کلی تقسیم کرد. دسته اول، آنهایی هستند که با محیط در شکل طبیعی آن یعنی دنیای طبیعی اطراف در قالب مشاهده یا تعامل برخورد می‌کنند. دسته دوم آنهایی هستند که محیط فیزیکل اطرافشان را در شکلی ملموس درگیر تحول می‌کنند و دسته سوم آنهایی هستند که با محیط اجتماعی اطراف خود از منظری آموزشی برخورد می‌کنند. در زیر نگاهی خواهیم داشت به چند اثر مشهور در فرم هنر محیطی.



بیداری خام، کاری از دان داسمان و کارن کاسولیتو که در سال ۲۰۰۷ به نمایش درآمد و اعتراضی بود به وابستگی همه جانبه انسان امروزی به نفت.



مزرعه گندم- یک موهاجه، کاری از انگس دنس. دس هشت‌هزار مترمربع از پارکی در منهتن را گندم کاشت و در فصل برداشت ۴۵۰ کیلوگرم گندم درو شده از این مزرعه با شعار هنری برای مبارزه با گر سبکی به نقاط مختلف جهان فرستاده شد.

یک دریا

ریکار دو زیپولی

و هنرمندسرای پردیس هرمز

سال گذشته هنرمندسرای پردیس هرمز در حالی چهلمین جشنواره هنر محیطی را برگزار کرد که میزبان ریکاردو زیپولی بود. روز یکشنبه ۲۶ آذرماه ریکاردو زیپولی به همراه جیانا مگتولفی و پسرش دومینکو به جزیره هرمز آمد. آنها چند روز مهمان هنرمندسرا بودند. روز ۲۷ آذر نمایشگاه ۲۶ عکس زیپولی با عنوان «یک خلیج، یک تنگه و یک دریا» که بین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۵ از بندرعباس، چابهار، جزیره هرمز و قشم گرفته شده‌اند افتتاح شد. نمایشگاه تا ۲۸ فروردین ۱۳۹۲ ادامه داشت. این نمایشگاه با حمایت دیارتمان مطالعات آسیایی و شمال آفریقای دانشگاه کافوسکاری (Ca’ Foscari) ونیز در ایتالیا برگزار شد.

ریکاردو زیپولی کیست؟

ریکاردو زیپولی در سال ۱۹۵۲ در پراو (ایتالیا) به دنیا آمد. در سال ۱۹۷۵ در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه ونیز فارغ‌التحصیل شد و از آن زمان تاکنون در همان دانشگاه مشغول به تدریس زبان و ادبیات فارسی بوده است. از سال ۲۰۱۰ نیز به تدریس «درک و خلق عکاسی» (Conceiving and Producing Photography) در همان دانشگاه مشغول شد. از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۶ و از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۵ مدیریت گروه مطالعات اوراسیا Diapartimento di Studi Eurasiatnici دانشگاه ونیز را برعهده داشت. به‌عنوان نویسنده با ناشران بسیاری در زمینه ادبیات معاصر فارسی کار کرده است. با علاقه خاصی که به نویسندگان سبک هنرهای (بویژه صائب و بیدل) داشته، ترجمه کارهای بسیاری را برعهده گرفته است. در سال ۱۹۸۲ جایزه لئون تراورسو را به‌خاطر ترجمه قابوسنامه برای اولین‌بار، از آن خود کرد. او اولین کسی بود که با برگردان کتاب اشعار «همراه سیاه» و به‌دنبال آن اگرگویی کمین» به زبان ایتالیایی، عباس کیارستمی را به خوانندگان غربی معرفی کرد. عکاسی را در سال ۱۹۷۲ آغاز کرد. آثار او برای اولین‌بار در سال ۱۹۷۶ در موسسه هنرهای معاصر لندن و برای دومین‌بار در سال ۱۹۷۷ در دیافرامای میلان به نمایش درآمد. از آن زمان تا به حال نمایشگاه‌های بسیاری از آثار او برپا و بسیاری از کارهایش در ایتالیا و کشورهای دیگر چاپ شده است (در سال ۱۹۷۷ شماری از کارهای او در چهاردهمین دوسالانه هنر سائوپائولو در برزیل به نمایش درآمد). در سال ۱۹۷۸ دریافت تندیس کارگردانی فیلم و کارگردانی عکس از مرکز فیزلمبردری تجربی رم «Centro Sperimentale di cinematografia» فارغ‌التحصیل شد.

مجموعه عکس

Venezia alle finestre. ونیز ۲۰۰۶ کتاب عکسی است با موضوع انعکاس پنجره‌های ونیزی به همراه برگردان ایتالیایی ابیاتی از بیدل (عکس‌ها در شهرهای رم، ونیز، تهران، پوتسدام و پاریس به نمایش درآمد). در سال ۲۰۰۷ مدیریت نمایشگاه عکس‌هایی با موضوع ایران به نام «ایران، مردم، راه‌ها و مناظر» که شامل مجموعه‌ای از عکس‌های عباس کیارستمی، ریکاردو زیپولی و ۵۶ عکاس معاصر دیگر بود را برعهده گرفت و تعدادی از عکس‌هایش با موضوع مناظر ایران را به نمایش درآورد. در سال ۲۰۰۸ مجموعه‌ای از عکس‌هایش را در موزه هنرهای معاصر تهران و Maison Européenne de la photog-raphie خانه عکاسان اروپا در پاریس به نمایش گذاشت. گلچینی از آثار او در تارنامی www.riccardozipoli.com در دسترس است.



عکس: شرق

قشم؛ و نیز کشتی‌های محلی در دوردست دریا یا در نزدیکی ساحل با یک جفت عکس که حس انتزاع‌پرستی من را ارضا می‌کنند؛ عکس‌های عمارات، دو نوع ساختمان را در این نواحی ترسیم می‌کنند: قصرهای پرتغالی و مساجد. محصول نهایی چشم‌اندازی است از سرزمینی زیبا، جادویی و صلح‌آمیز که از مسایل و درگیری‌های فعلی دور است. مکانی که در آن همزیستی سالتخورده مسالمت‌آمیز مابین عرب و فارس، سنی و شیعه امکان پیشرفت و برادری به همراه دارد. روزی فرا خواهد رسید که با کمک علم و دانش و هنر منابع طبیعی این منطقه از هر تهدیدی حراست خواهد شد و هلیکوپترهای نظامی و ناوهای هواپیمابر جای خود را به دلفین‌ها و مرغ‌های دریایی خواهند داد.

۴ در نمایشگاه ونیز چند عکس انتخاب کردید؟

سی‌وشش عکس را از آرشیو عکاسی‌م در این سفرها انتخاب کرده و آنها را در ونیز به نمایش گذاشت‌ام. این نمایشگاه در عین حال حاوی ضمیمه‌ای از عکس‌هایی است که در سال ۲۰۱۲ گرفته شده‌اند. این عکس‌ها شامل ۲۰ عکس از دره نمک در هرمز می‌شود که در راهرو ورودی نمایش داده شده و به جز آن، یک عکس از معدن خاک سرخ هم هست که مربوط به همان هرمز می‌شود و در کنار یک عکس درست از همان مکان که در ۱۹۷۵ گرفته شده قرار داده شده، تا به صورت سمبلیک، گذر زمان خود شاهدهی باشد بر تغییراتی که طی ۳۷ سال در این معدن رخ داده است.

۴ سال پیش هم بخشی از این عکس‌ها را در ایران به نمایش گذاشتید. درست است؟

بله. عکس‌های این نمایشگاه (به جز آنکه در ۲۰۱۲ گرفته شده و دره نمک را نشان می‌دهد و آن یکی که مربوط به معدن خاک سرخ در هرمز می‌شود) پیش‌تر نیز در هنرمندسرای پردیس هرمز (۱۷ دسامبر ۲۰۱۲ تا ۱۷ آوریل ۲۰۱۳) و همچنین سینما بلاس آرتس در بلو هوریزنتو در برزیل (۳۱ ژانویه تا ۳ مارس ۲۰۱۳) نمایش داده شده بود. همین تصاویر البته در شماره اول مجله آیین (مربوط به ژانویه ۲۰۱۳) هم چاپ شده و در سایت www.riccardozipoli.com تحت عنوان یک خلیج، یک تنگه و یک دریا (۱۹۹۵-۱۹۷۵) قابل رویت است.

۴ این برنامه همزمان با دوسالانه ونیز است؟

بله. این نمایشگاه در ساختمان با اهمیت کاپاپلو (Ca’ Cappello) قرار دارد و همزمان با پنجاهوپنجمین دوسالانه هنرهای تجسمی ونیز دایر است. این ساختمان تاریخی در حال حاضر میزبان برنامه‌هایی از دیارتمان مطالعات آسیا و آفریقایی مدیریتانه دانشگاه کافوسکاری (Ca’ Foscari) است. برنامه نمایشگاه به این ترتیب است که عکس‌ها از طبقه همکف چیدمان شده و سپس در طبقات بالاتر ادامه می‌یابد تا از طریق تجربیات بصری و هنری، در زندگی اعضای آکادمیک و دانشجویان نفوذ کند. فضا‌های مشترک در این ساختمان (مانند ورودی‌ها و پله‌ها)، به موارد مربوط به نمایشگاه اختصاص خواهد یافت.

۴ در این نمایشگاه، در کنار عکس‌ها، طرح‌هایی از نوشته‌های شاعرانه، پانل‌های اطلاعاتی و اظهار نظرهایی که بیانگر سیر دگرگونی خلیج‌فارس از گذشته دور تا دوره معاصر و تأثیرپذیری آن از موضوعات نظامی و اقتصادی است، نمایش داده شده. ایده کلی این نمایشگاه از کجا آمد؟

ایده کلی، به تصویر کشیدن محدودهای جغرافیایی در ایران به دور از کشمکش‌های کنونی است؛ منطقه‌ای زیبا، جذاب و آرام که «خلیج‌فارس» می‌نامیشم. به علاوه، در اینجا فارس‌ها و عرب‌ها، شیعه و سنی همه با هم در روح بین‌المللی به جا مانده از گذشته، زندگی می‌کنند؛ جایی که فرصتی بزرگ برای برادری و پیشرفت را برای ساکنانش به وجود آورده است. کانسپت اولیه با همکاری آلبرتو پراوندی، معماری که تجربیات قابل ملاحظه‌ای در طراحی نمایشگاه دارد، شکل گرفت و توسعه یافت. تولید نمایشگاه متکی بر مهارت‌های دو متخصص چاپ حرفه‌ای است: شرکت سنتر کروم در فلورانس (Center Chrome) که مسوول چاپ تصاویر عکاسی است و شرکت فالانی در ونیز (Fallani) که امور مربوط به چاپ سایر اقلام نمایشی و نصب آنها را بر عهده دارد.

ادامه در صفحه ۱۰



نقشه قدیمی اروپایی از خلیج فارس در نمایشگاه



از هرمز تا ونیز، در گفت‌وگو با «ریکاردو زیپولی»عکاس ایتالیایی

یادگارهای خلیج فارس بر «دیوار مارکوپولو»

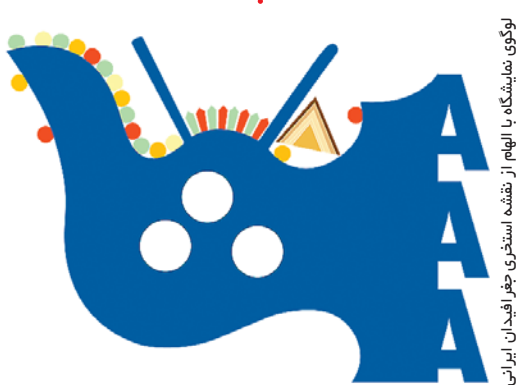
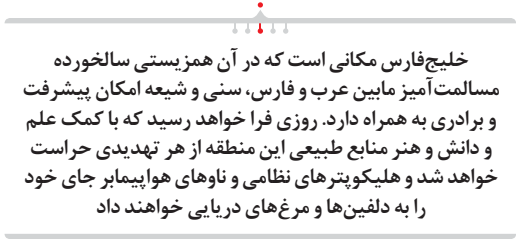


پرویز براتی

آنتسین، شاید آن شفافیت بی‌سایه بود یا سکوت بی‌انتهای شاید تنهایی مطلق من بود، هرچه بود میدان صحنه‌هایی غیرواقعی بود: مناظری نقش شده بر بوم نقاشی ماهر، مناظری بی‌بعد و مشابه مینیاتور. از آن زمان به بعد، آن نوع چشم‌انداز در دهمت مانند مدل ایده‌آلی نقش بست: مدلی که در سفرهایم به ایران همواره جست‌وجو کرده و سعی کردم درعکس‌هایم به ثبت برسانم. اما در آن زمان عکاسی هنوز در مسیر تربیتی‌ام نقشی غالب ایفا نمی‌کرد، نقشی که بعداً به یک زاویه دید تبدیل شد. چند عکس گرفتم، بیشتر مشغول تماشا و تلاش برای درک بودم تا ثبت احساساتم به عنوان یک عکاس زیباشناس. من بعضی از این عکس‌ها) مربوط به بندرعباس و هرمز (را به‌طور عجیبی دوست دارم و آنها در همین نمایشگاه عرضه شده‌اند.

۴ سفرهای دیگری انجام شد؟

دو مرتبه دیگر به این طرف‌ها برگشتم؛ یکبار سال ۱۳۵۹ (عکس‌های جزیره قشم و بعضی از عکس‌های بندرعباس مربوط به این سفر هستند) و بار دیگر در سال ۱۳۷۳. این دفعه چابهار را بازدید کرده و عکس‌هایی گرفتم. این سفرها هم کوتاه بود و بیشتر برای لذت‌بردن از تجارب سفر انجام شد تا کار حرفه‌ای عکاسی. با شوق به این نمایشگاه، در آرشیوهای این دو سفر به‌دنبال عکس‌هایی گشتم تا کارهای جزیره هرمز را همراهی کنند. هدف اصلی ایجاد مجموعه‌ای بود که بتواند هم سفرنامه آن سه تجربه قدیمی و هم معرف آن مکان‌ها با ادغامی از خاطرات و اسناد باشد. این مجموعه از اسلایدهایی تشکیل می‌شود که هرچند گذشت زمان در کیفیت آنها تأثیر منفی گذاشته است (به‌خصوص در بافت و در سایه روشنی‌ها) در جمع قابل قبول است. صحنه‌هایی از گذشته است که امروز دوباره من با آن مواجه می‌شوم و خود را با آن مقایسه می‌کنم و همان‌طور که



نقشه قدیمی اروپایی از خلیج فارس در نمایشگاه

غالباً در چنین مواردی اتفاق می‌افتد، چیزهایی پیدا می‌کنم که هنوز خود را در آن می‌شناسم و چیزهایی که از آن دورشده‌ام. تقریباً نیمه عکس‌ها به انسان‌ها اختصاص دارد: زنان با لباس‌های الوان و رووند، همیشه در حال رفتن و کوزه‌ای بر سر، ولی هرگز کنار ساحل؛ ماهیگیران که با لباس‌های ساده ملول و دلگرفته در حال قدم‌زدن یا به کشتی‌هایشان نگاه می‌کنند یا به دوربین عکاسی؛ بچه‌ها و جوانانی که یا گردش می‌کنند یا بازی با کار می‌کنند یا در فکر هستند یا با دقت به تو چشم می‌دوزند، همه نزدیک دریا. سایر عکس‌ها از مناظر هستند؛ مناظر داخل جزیره هرمز و گاهی افق دریا (با دو عکس غروب) در نزدیکی



بندرعباس ۱۹۸۰



چابهار ۱۹۹۵

۴۲ سال پیش با اتومبیل زبان از راه یوگسلاوی و ترکیه به ایران آمد و یک ماه تمام در ایران گشت‌وگذار کرد. حتی تا سیستان و بلوچستان هم رفت. حالا ۶۳ ساله شده و تمام قد، نقش سفیر فرهنگی ایران را ایفا می‌کند؛ بی‌هیچ ماموریت دیپلماتیکی، بی‌هیچ مزد و منعی، «ریکاردو زیپولی» برای ایرانی‌ها غریبه نیست. اگر این عکاس و ایران‌شناس ایتالیایی را ایرانی بدانیم بیهوده نگفته‌ایم. او بیش از آنکه یک ایتالیایی باشد، ایرانی است. در سال ۱۹۵۲ در پراتوی ایتالیا متولد شده. به راحتی فارسی حرف می‌زند، اصطلاحات ایرانی‌ها را می‌شناسد، از جزئیات گوشه گوشه این سرزمین اطلاع دارد و شاید ایران را بیشتر از بسیاری از ایرانی‌ها زیر پا گذاشته باشد. زیپولی هم اکنون عکاس و پروفیسور زبان و ادبیات فارسی و پروفیسور عکاسی مفهومی و خلّاق در دانشگاه کافوسکاری ونیز است. این هنرمند ایتالیایی که سال گذشته با همراهی «احمد نادعلیان» نمایشگاهی را در جزیره هرمز ترتیب داده بود، این روزها نمایشگاه جدیدش را با محور خلیج‌فارس در ونیز برپا کرده است. نمایشگاه «یک خلیج، یک تنگه، یک دریا» (ایران ۱۹۹۵-۱۹۷۵)، عکس‌های زیپولی از بندر عباس، قشم، هرمز و چابهار است که از ۱۴ ژوئن تا ۱۵ اکتبر ۲۰۱۳ هم‌زمان با پنجاهوپنجمین دوسالانه ونیز در این شهر دایر است. این نمایشگاه با اشعاری از حافظ و موسیقی هرمز گان همراه است. دیارتمان مطالعات آسیا و شمال آفریقا، مدرسه تولیدات فرهنگی و حفاظت از میراث فرهنگی با کمک انستیتو فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران - رم و دیارتمان فرهنگ شهر ونیز بر پاکنندگان این نمایشگاه‌اند. زیپولی در گفت‌وگوی پیش‌رو، برایمان از ایران سال‌های دور، عکاسی از خلیج فارس و راه‌زای این دریای جادویی گفت.

۴ طی یکی، دو سال گذشته نمایشگاه‌هایی با محوریت خلیج فارس و جزایر آن در ایران، برزیل و حالا در ونیز برپا کرده‌اید. چه سیر فکری و هنری‌ای را از برپایی این نمایشگاه‌ها دنبال می‌کنید؟

خلیج‌فارس، تنگه هرمز و دریای عمان، شکل جغرافیایی آب‌هایی است که سواحل جنوبی ایران و کرانه‌های کشورهای عربی مانند عمان، امارات متحده عربی، عربستان سعودی، قطر، بحرین، کویت و عراق را در بر می‌گیرد. این منطقه سوره مسایل سیاسی و اقتصادی پیچیده‌ای بوده که آن را در مرکز و اکنون نگاه جهانی قرار داده است. در این نمایشگاه، البته، این موضوعات در حاشیه قرار دارد. این نمایشگاه متمرکز است بر فرهنگ این مکان‌ها و خطرات و مهربانی‌هایی که من در طول سه بار سفرم به خطه جنوبی سواحل ایران (سال‌های ۱۹۷۵، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۵) داشته‌ام. مقصد اصلی من استان هرمزگان بود تا از بندر عباس و جزایر قشم و هرمز دیدن کنم. همچنین در چابهار در بلوچستان که دورترین نقطه شرقی این ناحیه است هم گشت‌وگذاری داشتم.

۴ به طور مشخص اول‌بار کی به این منطقه سفر کردید؟

دی سال ۱۳۵۳، زمانی که تهران و کلاس‌های درس‌م را برای اولین سفرم به خلیج‌فارس ترک کردم. مقصد، جزیره هرمز بود، آنجایی که دوست‌انم از کوه‌های رنگینش افسانه‌ها می‌گفتند. طرف‌های ظهر بود که رسیدم و برای گردش در جزیره مونتوسیکلتی کرایه کردم، گردش که آینده سفرهایم به ایران را تحت تأثیر و تغییر قرار داد. آمیختن‌ای از صور و رنگ‌های دل‌انگیز را باقیمت رسوب نمک سفید، زمین سرخ شده از آهن، صخره‌های تیره‌رنگ آتشفشانی، چشمه‌ها و برکه‌های مملو از آب شفاف و رنگین از املاح معدنی، بوته‌هایی اینجا و آنجا، تک‌درخت‌ها، تپه‌های دندان‌ه‌دار و یک آسمان آبی درخشان، مناظری که به‌نظر غریب و غیرحقیقی می‌آمدند و فقط حالا، بعد از سال‌ها، دلیل آن را بهتر می‌فهمم. آن مجموعه از صور و رنگ‌ها به‌نظر فاقد آن بعد نسومی می‌آمد که دنیای روزمره ما را شکل می‌دهد. شاید پرتو آن نور زلال بود یا آن رنگ‌های